

معرفی کتاب

مشاهدات سفر از بنگال به ایران در سالهای ۱۷۸۷-۱۷۸۶ م

نوشته ویلیام فرانکلین

اثری ارزشمند در بیان اوضاع اجتماعی ایران در دوره زندگی

● فرزاد نوروزی

اهداف خود در این مملکت، برای دولت قدرتمندی چون انگلستان که حیات استعماریش در هند مراحل تکوین خود را می‌گذراند. ضروری می‌نمود این کار به وسیلهٔ عمال تجاری و صاحب‌منصبان سیاسی انگلستان در ایران تحقق می‌پذیرفت.

ویلیام فرانکلین افسر ارشد مؤسسهٔ بنگال (از زیرمجموعه‌های کمپانی هند شرقی انگلیس) از افرادی بود که در راستای تحقق هدف یادشده، به ایران گسیل شد. او حاصل مشاهدات خود را در کتابی با این عنوان به چاپ رساند.

OBSERVATIONS MADE ON A TOUR
FROM BENGAL TO PERSIA IN YEARS
1786-7.

فرانکلین، علاقه‌مند به فرهنگ شرق، تحصیل کرده و شخصی مجرب بود. وی پس از تألیف کتاب مذکور، کتاب‌ها و مقالات متعدد دیگری نیز پیرامون اوضاع و ویژگی‌های فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی مشرق زمین، به ویژه هندوستان به رشتهٔ تحریر درآورد. او عضو «انجمن سلطنتی آسیا‌شناسان انگلستان» بود و بعدها به ریاست کتابخانهٔ این انجمن برگزیده شد.^۱

انگلستان» بود و بعدها به ریاست کتابخانهٔ این انجمن برگزیده شد.^۱

فرانکلین در پیشگفتار کتاب خود، انگیزهٔ سفرش به ایران را «علاقه به زبان فارسی و کسب اطلاعات مفید از تاریخ این کشور و نحوهٔ زیست مردم آن ذکر کرده است.

بديهی است علاقهٔ او به تاریخ و فرهنگ ایران-که خود بدان تصریح نموده- نه تنها با سفرش به عنوان «مأمور» کمپانی هند شرقی منافاتی ندارد، بلکه مسلماً آشنایی او به زبان فارسی و علاقه‌مندی‌اش به فرهنگ و تاریخ ایران موجب موفقیت بیشتر او بوده، حتی این امتیاز را می‌توان یکی از علل انتخاب وی از سوی کمپانی هند شرقی قلمداد نمود. دلیل دیگر بر این مدعا سخن خود اوست که می‌نویسد: «روز نهم مارس [۱۷۸۷ م.] دوست عزیزم ستوان کوری مرا ترک



موزد توجه انگلیسی‌ها قرار گرفت.

در زمان حیات کریمخان، انگلیسی‌ها طی سه مرحله مذاکرات پرفراز و نشیب که حدود ده سال به طول انجامید در پی کسب رابطهٔ اقتصادی و سیاسی با ایران بودند ولی به دلایل مختلف که مهم‌ترین آنها، آگاهی کریمخان از نیت استعماری ایشان بود، کاری از پیش نبردند و آن هنگام که کریمخان به توافق با آنها تن در داد، تجارت با ایران برای انگلیسی‌ها چندان سودآور نبود.

دورهٔ جانشینان کریمخان زند، با تشدید رقابت استعماری دول اروپایی در شرق و ارجحیت یافتن اهداف سیاسی آنها نسبت به منافع اقتصادیشان همزمان بود. حال با توجه به اهمیتی که ایران در این میان داشت، کسب اطلاعات از اوضاع سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی ایران به منظور نفوذ و پیشبرد

- مشاهدات سفر از بنگال به ایران در سالهای ۱۷۸۷-۱۷۸۶ میلادی
- تألیف: ویلیام فرانکلین
- ترجمه: محسن جاویدان
- ناشر: بنیاد فرهنگ و هنر ایران، مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی، تهران، ۱۳۵۸

نادرشاه افشار با ویژگی‌های خاص خود، به مثابه الگویی بود برای برخی سرداران نظامی که دورهٔ حکومت متکی به فرد و «ارتش سالار» او را تجربه کرده بودند. پس از مرگ نادرشاه، ایران به نوعی چندپارچگی در حکومت دچار شد و طولی نکشید که قلمرو بازماندگان نادر به خراسان محدود گردید. در غرب ایران داعیه‌داران قدرت و بهانه‌داران احیای دولت صفوی به منازعه با یکدیگر پرداختند تا اینکه از میان آنها مردی بی‌سواد اما با تجربه و مردم‌دوست به نام کریمخان زند با تکیه بر سخت‌کوشی خود و نیروی ایلاتی به قدرت رسید و عنوان «وکیل‌الرعا یا» بر خود نهاد. کریمخان به زودی ایران مرکزی را به زیر فرمان خود درآورد اما مناطق حاشیه‌ای از سوی خاندان‌های حکومتگر محلی اداره می‌شدند که اطاعت آنها به حکومت زندیه، تنها به واسطهٔ داشتن گروگان در شیراز حاصل می‌شد. چنین اوضاعی پس از مرگ کریمخان تا اعادهٔ یکپارچگی سیاسی ایران به وسیلهٔ آقا محمدخان قاجار، مجدداً به عدم تمرکز قدرت تبدیل شد. بی‌ثباتی سیاسی، از میان رفتن یکپارچگی سیاسی، ایجاد ناامنی‌های گستردهٔ مالی و جانی از مشخصات این دوران است که توجه بیگانگان را نیز به ایران جلب نمود. دورهٔ زندیه با بسط نفوذ سوداگران و بعدها استعماری انگلستان در هندوستان مقارن بود. «کمپانی هند شرقی» انگلیس که تحت نظارت مستقیم دولت انگلستان قرار داشت، در واقع مجری نیت اقتصادی-سیاسی دولت متبوع خود در شرق به شمار می‌آمد. ایران به عنوان همسایه و دروازهٔ هندوستان و کشوری بر سر راه سواحل دریای مدیترانه به شرق که در صورت برخورداری از ثبات سیاسی و امنیت، یکی از بازارهای پررونق کالا‌های اروپایی قلمداد می‌گشت، به زودی

کرد... مأموریت‌های مختلفی که داشتیم این جدایی را الزامی می‌کرد.»

اهمیت کتاب‌هایی چون سفرنامه کارستن نیبور^۲ و مشاهدات سفر از بنگال به ایران برای شناخت اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی دوره زندگی، زمانی آشکار می‌گردد که به قلت منابع اصلی تاریخی در دوره زندگی و محتوای تاریخی آن‌ها نگاهی گذرا داشته باشیم.

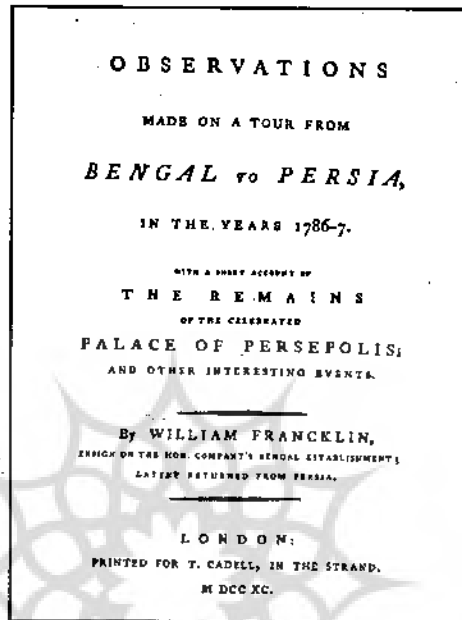
منابع فارسی این دوره، عموماً به مسایل نظامی و منازعات حکومت‌های محلی و جنگ‌های میان مدعیان قدرت پس از نادرشاه تا روی کار آمدن کریمخان پرداخته‌اند. اگر کتاب رستم‌التواریخ را که در دوره‌های متأخرتری نوشته شده ولی قسمت اعظم آن مربوط به دوره مورد بحث است را مستثنی کنیم، تنها در روزنامه میرزا محمد کلانتر فارسی اشاراتی کم‌رنگ از اوضاع اجتماعی ایران در آن دوره به چشم می‌خورد که به هیچ وجه برای شناخت اوضاع فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی دوره زندگی کافی نیست. اینجاست که کتاب مشاهدات سفر از بنگال به ایران خلاء مزبور را تا حدی پرمی‌کند.

مسافرت فرانکلین از کلکته روز دوشنبه ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۲۰۰ ه. ق آغاز شد و تا ۱۹ رجب ۱۲۰۲ ه. ق که به کلکته مراجعت کرد به طول انجامید ولی مدت اقامت او در ایران از نهم جمادی‌الثانی ۱۲۰۱ تا یازدهم ربیع‌الاول ۱۲۰۲ ه. ق بود.^۳

فرانکلین بر سر راه خود به ایران مدت هفت ماه در بمبئی مانده است، به همین علت نکات جالب دربارهٔ مذهب و عقاید و رسوم پارسیان آن شهر در کتاب او می‌توان یافت: «آن‌ها خود قبول دارند که به علت اقامت طولانی در هند و احتمالاً به دلیل جلب نظر موافق هندی‌ها، برخی مراسم و آداب خاص هندوها را پذیرفته‌اند»^۴. این مطلب نمونه‌ای از دیدگاه محققانه و نقادانهٔ فرانکلین است.

او با سفرنامه کارستن نیبور نیز آشنا بوده و از آن در جای جای کتاب خود بهره برده است. شاید حتی مطالعه کتاب نیبور انگیزه دیدار از ایران را در وی به وجود آورده باشد.

کتاب فرانکلین با عنوان «مشاهدات سفر از بنگال به ایران در سال‌های ۱۷۸۷-۱۷۸۶ میلادی» را آقای محسن جاویدان به فارسی ترجمه نموده که برگردانی بسیار ارزشمند است، اما ناآشنایی کافی وی با اسامی جغرافیایی منطقه‌ای که فرانکلین از آن دیدار کرده، از



نقاط ضعیف مهم این ترجمه به شمار می‌آید. زیرا صحت اعلام در فهم یک مطلب تاریخی نقش بسزایی دارند، به ویژه آنکه این مطلب یک سفرنامه باشد. برای نمونه واژه «Desterjin» را «دسترجان» ترجمه کرده در حالی که صحیح آن «دشت ارژن» است.

فرانکلین فاصلهٔ دقیق میان شهرها و روستاهایی را که بر سر راه او قرار داشتند ذکر کرده و در جایی که به کلمه «فرسخ» برخورده به ریشه یابی آن در زبان یونانی پرداخته است. او توصیفات جامع و زیبایی از روستاها و مناظر بین راه ارائه کرده، مثلاً وقتی به کنار دریاچه پریشان در نزدیکی کازرون می‌رسد، مشاهدهٔ آن را برابر با رفیع خستگی تمام سفر تا آنجا می‌خواند.^۵

وی در شیراز به مدت هشت ماه با یک خانوادهٔ ایرانی زندگی کرد و در این مدت موفق شد اطلاعاتی دقیق و مورد اعتماد از اوضاع اجتماعی ایران در دوره زندگی فراهم آورد.

فرانکلین به توصیف قسمت‌های مختلف شهر شیراز مانند دروازه‌های ششگانه، ارگ، میدان توپخانه، بازارها، مساجد، کاروانسراها، محلات، زورخانه‌ها، حمام‌ها و... پرداخته است. حتی هنگام صحبت از

زورخانه به تفصیل دربارهٔ مراسم گلریزان سخن می‌گوید.

او خلاصه‌ای از تاریخ شاهچراغ(ع) و چگونگی بنای بارگاه آن حضرت را با استفاده از کتب موجود در آن بارگاه، بویژه کتاب‌هایی چون: نظام‌التواریخ بیضاوی، شیرازنامه و فارسنامه ابن‌بلخی نقل کرده است. نویسنده آن گاه به توصیف جاهایی چون: مقبره حافظ، مصلی و هفت تنان همراه با تصاویر حافظ و سعدی بر دو لنگه در آن، باغ دلگشا، آرامگاه سعدی، قنات‌ها، آرامگاه عبدالرحیم خان زند و ربع مایلی شمال دروازه اصفهان پرداخته است.

فرانکلین آن گاه اموری مانند: مذهب مردم، مراسم ازدواج(به طور مفصل)، مراسم نامگذاری کودک، مراسم تدفین، خون‌پها، ماه رمضان، عید قربان، عید غدیر، مراسم سینه‌زنی محرم و واقعه کربلا را مورد بحث و بررسی قرار داده است. پس از آن مسائلی مثل: تجارت، صنعت، امور انتظامی شهر، امور سپاهی‌گری، ایرانیان متجدد که خواهان آشنایی بیشتر با اروپائیان بوده‌اند، توجه کرده است. وی به تقلید از کارستن نیبور شرحی دربارهٔ تخت جمشید در کتاب خود آورده است که دقت آن به پای شرح نیبور نمی‌رسد. او برای این منظور از کتاب روضة‌الصفاء نیز سود برده است. پس از آن شرحی از تاریخ ایران، از مرگ نادرشاه تا زمان سفر خود به شیراز را در اثرش آورده که دارای اهمیت فراوان است. فرانکلین در این قسمت سیاست داخلی کریمخان زند و برخورد وی با فرنگی‌ها را مورد بررسی قرار داده و بالاخره کتاب خود را با توصیف گوتاهی از لطفعلی خان زند به پایان رسانده است.

در یک نگاه کلی و بیانی جامع و مختصر می‌توان گفت که سفرنامهٔ فرانکلین، یکی از کتاب‌هایی است که در آن به روشی دقیق و پژوهشگرانه به چگونگی وضع مردم و آداب و رسوم و میراث فرهنگی کشور ایران در دوره زندگی پرداخته شده است و از این نظر دارای اهمیتی خاص می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱- فرانکلین، ویلیام: مشاهدات سفر از بنگال به ایران در سال‌های ۱۷۸۷-۱۷۸۶ میلادی، ترجمه محسن جاویدان، تهران، بنیاد فرهنگ و هنر ایران، ۱۳۵۸ ش، صفحه‌های سیزده و چهارده.

۲- این کتاب توسط آقای دکتر پرویز رجبی به فارسی ترجمه شده است(قسمت‌های مربوط به ایران).

۳- فرانکلین، پیشین، ص ۴۰.

۴- همان، ص ۱۰.

۵- همان، ص ۱۷.